

نقد عقل محض

-
- سرشناسه: کانت، ایمانوئل
عنوان و نام پدیدآور: نقد عقل محض / ایمانوئل کانت / ترجمه انگلیسی: پل گایر، آلن
وود؛ ترجمه بهروز نظری؛ ویرایش محمدمهدی اردبیلی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۷۶۸ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۱۸۳-۳
- یادداشت: عنوان اصلی: Critique of pure reason, 1998.
موضوع: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴-۱۸۰۴ م. سنجش خرد ناب - نقد و تفسیر
موضوع: شناخت (فلسفه)
موضوع: علت و معلول
موضوع: عقل
شناسه افزوده: گایر، پل
شناسه افزوده: Guyer, Paul
شناسه افزوده: وود، آلن دبلیو، ۱۹۴۲- م.
شناسه افزوده: Wood, Allen W.
شناسه افزوده: نظری، بهروز، ۱۳۵۱-، مترجم
شناسه افزوده: اردبیلی، محمدمهدی، ۱۳۶۱-، ویراستار
رده‌بندی کنگره: ۲ ۱۳۹۴ ش ۲ گ/۲۷۷۹ B
رده‌بندی دیویی: ۱۹۳
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۰۲۵۳۸۳
-

ایمانوئل کانت

نقد عقل محض

(ویراست دوم ترجمه فارسی)

ترجمه بهروز نظری

ویرایش:

محمد مهدی اردبیلی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Immanuel Kant

Critique of Pure Reason

Translated and Edited by Paul
Guyer (University of Pennsylvania)
Allen W. Wood (Yale University)
Cambridge University Press, 1998



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

* * *

ایمانوئل کانت

نقد عقل محض

(ویراست دوم ترجمه فارسی)

ترجمه بهروز نظری

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

زمستان ۱۳۹۴

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳ - ۱۸۳ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 183 - 3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۵۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱۳	مقدمه ویراستار فارسی
۲۱	یادداشت مترجم
۲۵	سرلوحه کتاب
۲۷	تقدیم نامه
۲۹	(ویراست اول در سال ۱۷۸۱)
۳۱	(ویراست دوم در سال ۱۷۸۷)
۳۳	پیشگفتار (ویراست اول)
۴۳	پیشگفتار (ویراست دوم)
۶۷	مقدمه (ویراست اول)
۶۹	۱. ایده فلسفه استعلایی
۷۲	درباره تفاوت میان احکام تحلیلی و احکام ترکیبی
۷۷	۲. تقسیم فلسفه استعلایی
۷۹	مقدمه (ویراست دوم)
۷۹	۱. درباره تفاوت میان شناخت محض و شناخت تجربی [حسی]
	۲. ما دارای شناخت‌های پیشینی یقینی هستیم، و حتی فاهمه مشترک هرگز
۸۰	عاری از این شناخت‌ها نیست
	۳. فلسفه به علمی نیاز دارد که امکان، اصول، و قلمرو تمام شناخت‌ها را به نحو
۸۲	پیشینی تعیین کند

۴. دربارهٔ تمایز میان احکام تحلیلی و احکام ترکیبی ۸۵
۵. در تمام علوم نظری عقل، احکام ترکیبیِ پیشینی به مثابهٔ اصول مندرج شده‌اند ۸۷
۶. مسئلهٔ عام عقل محض ۹۰
۷. ایده و تقسیم‌بندی یک علم مخصوص، با عنوان نقد عقل محض ۹۳

۱. آموزهٔ استعلایی عناصر

- بخش اول: حسیات استعلایی (ویراست اول) ۱۰۱
- قسمت اول: دربارهٔ مکان ۱۰۳
- قسمت دوم: دربارهٔ زمان ۱۰۸
- بخش اول: حسیات استعلایی (ویراست دوم) ۱۲۱
- مقدمه (۱ §) ۱۲۱
- قسمت اول: دربارهٔ مکان (۳-۲ §§) ۱۲۳
- قسمت دوم: دربارهٔ زمان (۷-۴ §§) ۱۲۹
- ملاحظات کلی دربارهٔ حسیات استعلایی (۸ §) ۱۳۶
- بخش دوم: منطق استعلایی ۱۴۷
- مقدمه: ایدهٔ یک منطق استعلایی ۱۴۷
۱. دربارهٔ منطق به طور عام ۱۴۷
۲. دربارهٔ منطق استعلایی ۱۵۰
۳. دربارهٔ تقسیم منطق عمومی به تحلیلات و دیالکتیک ۱۵۱
۴. دربارهٔ تقسیم منطق استعلایی به تحلیلات استعلایی و دیالکتیک استعلایی ۱۵۴
- قسمت اول: تحلیلات استعلایی ۱۵۶
- کتاب اول: تحلیلات مفاهیم ۱۵۸

فصل اول: دربارهٔ راهنمای کشف تمام مفاهیم محض فاهمه.....	۱۵۹
جزء اول: دربارهٔ کاربرد منطقی فاهمه، به طور عام.....	۱۶۰
جزء دوم: دربارهٔ کارکرد منطقی فاهمه در احکام (§ ۹).....	۱۶۱
جزء سوم: دربارهٔ مفاهیم محض فاهمه یا مقولات (۱۲- ۱۰ §§).....	۱۶۶
فصل دوم: دربارهٔ استنتاج مفاهیم محض فاهمه.....	۱۷۵
جزء اول: دربارهٔ اصول یک استنتاج استعلایی به طور عام (§ ۱۳).....	۱۷۵
گذار به استنتاج استعلایی مقولات (§ ۱۴).....	۱۸۰
جزء دوم: دربارهٔ مبانی پیشینی امکان تجربه (در ویراست اول).....	۱۸۳
جزء سوم: دربارهٔ نسبت فاهمه به ابژه‌ها به طور عام و امکان شناخت پیشینی آن‌ها (در ویراست اول).....	۱۹۵
جزء دوم: استنتاج استعلایی مفاهیم محض فاهمه (در ویراست دوم) (۲۷- ۱۵ §§).....	۲۰۴
کتاب دوم: تحلیل‌ات اصول [بنیادین].....	۲۲۹
مقدمه: دربارهٔ قوهٔ استعلایی حکم به طور عام.....	۲۳۰
فصل اول: دربارهٔ شاکله‌سازی مفاهیم محض فاهمه.....	۲۳۳
فصل دوم: نظام تمام اصول [بنیادین] فاهمه محض.....	۲۴۰
جزء اول: دربارهٔ عالی‌ترین اصل [بنیادین] همهٔ احکام تحلیلی.....	۲۴۱
جزء دوم: دربارهٔ عالی‌ترین اصل [بنیادین] همهٔ احکام ترکیبی.....	۲۴۳
جزء سوم: بازنمایی نظام‌مند همهٔ اصول [بنیادین] ترکیبی فاهمه محض.....	۲۴۶
۱. اصول متعارفهٔ شهود.....	۲۴۹
۲. انتظارات ادراک.....	۲۵۲
۳. قیاس‌های تجربه.....	۲۵۹
الف. قیاس اول: اصل [بنیادین] ماندگاری <ماندگاری> [جوهر].....	۲۶۳
ب. قیاس دوم: اصل [بنیادین] توالی زمانی بر طبق قانون علیت.....	۲۶۹

- ج. قیاس سوم: اصل [بنیادین] همزمانی، بر طبق قانون مبادله، یا مشارکت. ۲۸۳
۴. اصول موضوعه تفکر تجربی [حسی] به طور عام. ۲۸۹
- رد ایدئالیسم (اضافه شده در ویراست دوم). ۲۹۴
- ملاحظه عمومی درباره نظام اصول [بنیادین] (اضافه شده در ویراست دوم). ۳۰۲
- فصل سوم: درباره مبنای تمایز همه ابژه‌ها به طور عام، به پدیدارها و ذوات معقول (ویراست اول). ۳۰۷
- فصل سوم: درباره مبنای تمایز همه ابژه‌ها به طور عام، به پدیدارها و ذوات معقول (ویراست دوم). ۳۲۳
- ضمیمه: درباره ایهام مفاهیم بازانديشانه. ۳۳۶
- ملاحظه درباره ایهام مفاهیم بازانديشانه. ۳۴۱
- قسمت دوم: دیالکتیک استعلایی** ۳۵۶
- مقدمه. ۳۵۶
۱. توهم استعلایی. ۳۵۶
۲. درباره عقل محض، در مقام جایگاه توهم استعلایی. ۳۵۹
- الف. درباره عقل به طور عام. ۳۵۹
- ب. درباره کاربرد منطقی عقل. ۳۶۲
- ج. درباره کاربرد محض عقل. ۳۶۳
- کتاب اول: درباره مفاهیم عقل محض** ۳۶۶
- جزء اول: درباره ایده‌ها به طور عام. ۳۶۷
- جزء دوم: درباره ایده‌های استعلایی. ۳۷۲
- جزء سوم: نظام ایده‌های استعلایی. ۳۷۹
- کتاب دوم: قیاس‌های دیالکتیکی عقل محض** ۳۸۴
- فصل اول: مغالطات منطقی عقل محض (در ویراست اول). ۳۸۶
- مغالطه اول درباره جوهریت. ۳۹۱

- ۳۹۳..... مغالطهٔ دوم دربارهٔ بساطت
- ۳۹۹..... مغالطهٔ سوم دربارهٔ شخصیت
- ۴۰۲..... مغالطهٔ چهارم دربارهٔ ایدئال بودن (مربوط به [نسبت بیرونی])
- ۴۱۱..... مطالعه دربارهٔ ماحصل روان‌شناسی محض، با توجه به این مغالطات
- ۴۲۶..... فصل اول: مغالطات عقل محض (در ویراست دوم)
- ۴۳۰..... رد برهان مندلسون دربارهٔ بقای نفس [ماندگاری نفس]
- ۴۳۹..... ملاحظهٔ کلی دربارهٔ گذار از روان‌شناسی عقلانی به جهان‌شناسی
- ۴۴۲..... فصل دوم: مسئلهٔ جدلی‌الطرفین عقل محض
- ۴۴۴..... جزء اول: نظام ایده‌های جهان‌شناختی
- ۴۵۱..... جزء دوم: برابرنهاد عقل محض
- ۴۵۶..... اولین تعارض ایده‌های استعلایی
- ۴۶۲..... دومین تعارض ایده‌های استعلایی
- ۴۷۰..... سومین تعارض ایده‌های استعلایی
- ۴۷۶..... چهارمین تعارض ایده‌های استعلایی
- ۴۸۳..... جزء سوم: دربارهٔ اهتمام عقل به این تعارض‌ها
- جزء چهارم: دربارهٔ مسائل استعلایی عقل محض، تا جایی که مطلقاً باید بتوانند حل شوند.
- ۴۹۱.....
- جزء پنجم: بازنمایی شکاکانهٔ سؤالات جهان‌شناختی برآمده از هر چهار ایدهٔ استعلایی
- ۴۹۶.....
- جزء ششم: ایدئالیسم استعلایی به عنوان کلید حل دیالکتیک جهان‌شناختی
- ۵۰۰.....
- جزء هفتم: تصمیم نقادانه در تعارض جهان‌شناختی عقل با خودش
- ۵۰۴.....
- جزء هشتم: اصلی نظام‌بخش عقل محض در ارتباط با ایده‌های جهان‌شناختی
- ۵۱۰.....

- جزء نهم: درباره کاربرد تجربی [حسی] اصل نظام بخش عقل در ارتباط با همه ایده‌های جهان‌شناختی ۵۱۵
۱. رفع ایده جهان‌شناختی تمامیت ترکیب نمودهای یک کل جهانی..... ۵۱۶
۲. رفع ایده جهان‌شناختی تمامیت تقسیم یک کل داده‌شده در شهود..... ۵۲۰
- ملاحظه نهایی درباره رفع ایده‌های ریاضی-استعلایی و پیش‌درآمدی بر رفع ایده‌های پویا-استعلایی..... ۵۲۳
۳. رفع ایده جهان‌شناختی تمامیت اشتقاق رویدادها در جهان، از علل آن‌ها..... ۵۲۶
- امکان علیت از طریق آزادی ۵۲۹
- توضیح ایده جهان‌شناختی آزادی..... ۵۳۱
۴. حل ایده جهان‌شناختی تمامیت وابستگی نمودها از حیث وجودشان به طور عام ۵۴۱
- ملاحظه نهایی درباره تمامیت مسئله جدلی‌الطرفین عقل محض..... ۵۴۵
- فصل سوم: ایدئال عقل محض..... ۵۴۷
- جزء اول: درباره ایدئال به طور عام..... ۵۴۷
- جزء دوم: ایدئال استعلایی (کهن‌الگوی استعلایی)..... ۵۴۹
- جزء سوم: درباره مبانی برهان عقل‌نظورز برای استنتاج وجود یک موجود اعلی ۵۵۷
- جزء چهارم: درباره امتناع یک برهان وجودی برای اثبات وجود خدا..... ۵۶۲
- جزء پنجم: درباره امتناع یک برهان جهان‌شناختی برای اثبات وجود خدا. ۵۶۹
- کشف و تبیین توهم دیالکتیکی در همه برهان‌های استعلایی اثبات وجود واجب‌الوجود..... ۵۷۷
- جزء ششم: درباره امتناع برهان الهیاتی-طبیعی ۵۸۱

۵۸۷	جزء هفتم: نقد کل الهیات بر مبنای اصولِ نظرورز عقل
۵۹۵	ضمیمهٔ دیالکتیکِ استعلایی
۵۹۵	دربارهٔ کاربرد نظام‌بخش ایده‌های عقل محض
۶۱۱	دربارهٔ هدف غایی دیالکتیک طبیعی عقل بشری

۲. آموزهٔ استعلاییِ روش

۶۳۵	مقدمه
۶۳۶	فصل اول: انضباط عقل محض
۶۳۸	جزء اول: انضباط عقل محض در کاربرد جزمی
۶۵۴	جزء دوم: انضباط عقل محض با نظر به کاربرد جدلی آن
۶۶۶	دربارهٔ امتناع رضایت شکاکانهٔ عقل محض، که علیه خویش تقسیم شده است
۶۷۳	جزء سوم: انضباط عقل محض دربارهٔ فرضیات
۶۸۰	جزء چهارم: انضباط عقل محض دربارهٔ براهین خود
۶۸۹	فصل دوم: قانون کلی عقل محض
۶۹۰	جزء اول: دربارهٔ هدف غایی کاربردِ محض عقلِ ما
۶۹۴	جزء دوم: دربارهٔ ایدئال خیر اعلی، در مقامِ مبنای تعیینِ غایتِ فرجامین عقل محض
۷۰۴	جزء سوم: دربارهٔ عقیده، دانش، و باور
۷۱۲	فصل سوم: معماری عقل محض
۷۲۵	فصل چهارم: تاریخ عقل محض
۷۲۹	واژه‌نامهٔ آلمانی-انگلیسی-فارسی
۷۳۹	واژه‌نامهٔ انگلیسی-آلمانی-فارسی
۷۴۹	کتاب‌شناسی
۷۵۳	نمایه

مقدمه ویراستار فارسی

متنی که پیش روی شماست، ترجمه کتاب نقد عقل محض کانت به فارسی است، البته پیش از ویرایش حاضر، جناب آقای علیرضا سیداحمدیان نیز به متن نگاهی انداخته و بعضاً ویرایشی حداقلی نیز در آن اعمال کرده است که لازم است بدین دلیل از ایشان نیز تشکر شود. اما نگارنده این سطور به عنوان ویراستار اصلی، علی‌رغم فرصت کوتاه چندماهه‌ای که داشت، کوشید تا کل متن را کلمه به کلمه با ترجمه انگلیسی پل‌گایر^۱ مطابقت دهد و ویرایش‌های بسیاری در سه سطح محتوا، معادل‌گزینی و نحو فارسی بر متن اعمال کند. صرف‌نظر از تمام مباحث در خصوص متن اصلی آلمانی، و ترجمه‌های متعدد انگلیسی، ویراستار حتی در موارد اختلاف‌برانگیز نیز بر ترجمه‌گایر تکیه کرده است. چشمگیر بودن اصلاحات در ویراست حاضر، هم از حیث کمی و هم از حیث کیفی، حتی با مقایسه‌ای گذرا با ویراست قبلی همین ترجمه به‌خوبی آشکار می‌شود. البته ویراستار، از آن‌جا که ویراستار اثر است نه مترجم آن، کوشیده است تا حتی الامکان از دخالت‌های سلیقه‌ای در متن اجتناب کند و عمدتاً از معادل‌ها یا واژه‌های مترجم بهره ببرد، مگر در مواقعی که آن‌ها را اشتباه یا گمراه‌کننده یافته است. در عین حال، ویراستار از افزودن عباراتی در متن داخل قلاب پرهیز نکرده است و هر جا که لازم دیده به جای جرح و تعدیل متن اصلی و تغییر معادل انتخابی مترجم، معادل مطلوب خود را به متن افزوده است. همچنین در مواردی ویراستار نکاتی را به صورت پاورقی به متن افزوده است و آن‌ها را با حروف اختصاری و.ف (ویراستار فارسی) از افزوده‌های مترجم فارسی (م.ف) و مترجم انگلیسی (م.ا) متمایز کرده است. پاورقی‌های کانت نیز با علامت * مشخص شده‌اند.

1. Immanuel Kant, *Critique of Pure Reason*, translated by Paul Guyer, edited by Allen W. Wood, Cambridge: Cambridge University Press, 1998.

کتاب نقد عقل محض را نخستین بار دکتر میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی در سال ۱۳۶۱ با عنوان سنجش خرد ناب به فارسی ترجمه و انتشارات امیرکبیر منتشر کرد: ترجمه‌ای متفاوت، با دقت فلسفی و زبانی مثال‌زدنی، و البته از حیث دشواری و سخت‌فهمی، زبانزد خاص و عام. مترجم فارسی، مانند سایر ترجمه‌های خویش، چنان خود را متعهد به دقت فلسفی و بازسازی معادل‌ها ساخته که از زبان فارسی متداول فاصله بسیاری گرفته است، هرچند در استواری و صحت آن نمی‌توان چون و چرا کرد. لذا در این جا به بررسی دقت و صحت این ترجمه نمی‌پردازیم و اعتبار آن را پیشفرض می‌گیریم (هرچند خود نگارنده این سطور در موارد معدودی ایرادات و سوءفهم‌هایی بعضاً جدی نیز در ترجمه دکتر ادیب‌سلطانی یافته است که در ویرایش حاضر اصلاح شده‌اند). اما مسئله اصلی نوع زبانی است که مترجم اختیار کرده است. این زبان و شیوه ترجمه را می‌توان از دو جنبه (نحو و معادل‌سازی) بررسی کرد، و از یکی قویاً دفاع کرد و از دیگری انتقاد. در مورد نحو و نوع جمله‌بندی‌ها، مترجم حقیقتاً کاری شگرف و ستایش‌برانگیز انجام داده و کوشیده است تا برای انتقال معنا، تا آن جا که ممکن است، از امکانات ساختاری زبان فارسی بهره بگیرد. اما در سطح معادل‌سازی و اصطلاح‌گزینی‌ها، مترجم علی‌رغم تمام تلاش‌های قابل ستایشش - که حاصل آن برگزیدن معادل‌هایی بسیار دقیق لیکن مهجور بوده است - نهایتاً متنی دشوار به دست داده است. بخشی از این دشواری بی‌تردید به خود متن کانت و فاصله چهارچوب‌های فکری ما و کانت (به ویژه رویکرد ایدئالیستی او در مقابل سنت رئالیستی ما) مربوط می‌شود؛ اما بخش دیگر و چه بسا عظیم‌تر این دشواری و سخت‌خوانی، به شیوه ترجمه خود دکتر ادیب‌سلطانی و تحمیل دشواری مضاعف بر متن کانت بازمی‌گردد. البته اختلاف در این خصوص تا حد زیادی به اختلاف در رویکرد کلی نسبت به خود ترجمه و مرزها و کارکردش بازمی‌گردد؛ اما ترجمه بی‌گمان دو طرف دارد، یکی زبان مبدأ و دیگری زبان مقصد. زبان مبدأ این ترجمه آلمانی (و البته در ترجمه حاضر انگلیسی) است که در فهم و درک فوق‌العاده استاد ادیب‌سلطانی از آن چون و چرا نمی‌توان کرد. اما طرف دیگر ترجمه، زبان مقصد است و اختلاف اصلی مولود دریافتی است که از زبان مقصد صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد در نظر دکتر ادیب‌سلطانی این زبان فارسی نه زبان فارسی زنده متداول، بلکه نوعی زبان فارسی است که از برخی جنبه‌ها بناست خلق شود. این امر به خودی خود نه تنها نقص نیست، بلکه، با توجه به تازگی و غرابت اندیشه کانت در سنت فلسفی ما و لزوم گزینش اصطلاحاتی نو، چه بسا نقطه قوتی باشد. با وجود این، از این

واقعیت نیز نمی‌توان چشم پوشید که گزینش معادل‌های مهجور در زبان فارسی در ازای اصطلاحات زبان مبدأ گاه خواننده را با دشواری‌هایی مضاعف روبه‌رو می‌کند، ولو آن‌که معادل‌ها و اصطلاحات یادشده از دقتی فوق‌العاده برخوردار باشند.

نهایتاً به همین دلیل، کتاب کانت در ایران همچنان ناخوانده باقی مانده است و بجز نسخه‌های معدودی که برخی زحمت و رنج زایدالوصف سر و کله زدن با آن‌ها را به جان خریده‌اند، باقی نسخه‌ها بیشتر به گوشه کتابخانه‌ها راه یافت. به همین دلیل، از آن زمان تاکنون، همواره در ذهن مخاطبان و علاقه‌مندان فلسفه این امید وجود داشته که ترجمه‌ای دیگر و البته قابل فهم‌تر از این کتاب منتشر شود.

علی‌رغم وجود اخبار ضد و نقیض مبنی بر انتشار ترجمه‌های جدید از این کتاب به دست اساتید فن در طول سال‌های اخیر، حدود سی سال زمان لازم بود تا امید فوق به شکلی غافلگیرکننده محقق شود. در سال ۱۳۹۰، این کتاب به‌ناگاه با ترجمه بهروز نظری منتشر شد و به‌سرعت به چاپ دوم رسید. چه بسا عدم شهرت مترجم باعث شد تا در این مدت موضع مشخصی نسبت به ترجمه گرفته نشود و دست‌کم این جانب تاکنون نقدی درباره آن نخوانده‌ام. این ترجمه به طور کلی چهار ویژگی داشت که از همان اولین مواجهه خود را نشان می‌داد:

(الف) تلاش و تعهد جدی مترجم، به دور از جریان‌ها و محفل‌های آکادمیک و

فکری، برای ازکار درآوردن ترجمه فارسی یکی از مهم‌ترین آثار تاریخ فلسفه؛

(ب) معادل‌گزینی‌های مصطلح و رایج و اجتناب از دشواری مضاعف کانت؛

(ج) اعتنای قابل توجه بر ترجمه جناب ادیب سلطانی. در این خصوص البته شاید

بهتر می‌بود که آقای نظری دست‌کم اشاره‌ای مختصر به این نکته می‌کردند و

علاوه بر منبع اصلی ترجمه (ترجمه انگلیسی پل گایر)، از ترجمه نخست

فارسی نیز به عنوان منبعی جدی و الهام‌بخش نام می‌بردند؛

(د) هرچند بهروز نظری در ویراست اول این کتاب در زمینه انتقال معنا به زبان

فارسی توفیق یافت، متأسفانه در موارد قابل توجهی فقدان دقت فلسفی و بعضاً

زبانی موجب شد عباراتی نادرست وارد متن ترجمه شوند. دلیل اصلی این امر

تا حدودی تعجیل مترجم در انتشار اثر و فقدان یک ویراستار یا تیم

ویراستاری دقیق بوده است؛ زیرا بخش اعظم اشتباهات ترجمه، بیش از آن‌که

ناشی از دشواری متن یا عدم فهم مترجم باشد، برآمده از بی‌دقتی، اشتباهات

سهوی و خلط اصطلاحات متضاد و متقابل (مانند پیشینی و پسینی، نظری و

عملی، سوژه و ابژه، و...) بود. نهایتاً این ترجمه در ویراست اول نیز نتوانست انتظار علاقه‌مندان را برآورده سازد و در نتیجه همچنان این امید وجود داشت که اثر کانت با ترجمه‌ای دقیق‌تر در اختیار مخاطبان قرار گیرد.

پذیرفتن مسئولیت ویراستاری این اثر بیش از همه ملهم از ایده «نفی در عین حفظ» یا آوفه‌هونگ (aufhebung) هگلی بوده است. در این معناست که می‌توان نسبتی دیالکتیکی میان ترجمه نخست فارسی (۱۳۶۱) و ترجمه دوم آن (۱۳۹۰)، و همچنین میان دو ترجمه مذکور و ویراست اخیر برقرار کرد. هیچ ترجمه‌ای بنا نیست صرفاً دیگری را نفی یا تصدیق کند، بلکه همان‌گونه که خود اصطلاح آوفه‌هونگ در زبان آلمانی به هر سه معنای حفظ، نفی و ارتقا است، در این جا نیز هر ترجمه (دقیقه) بناست در بطن ترجمه بعدی «نفی» و، در عین حال، «حفظ» شود و نهایتاً به «ارتقا»ی کیفی اثر بینجامد. بنابراین، نفی و نقد ترجمه‌های قبل که در این مقدمه به آن‌ها پرداخته شده است، در حقیقت چیزی جز حفظ و نجات آن‌ها نیست. همچنین، امید است که اگر بعدها ترجمه دیگری از این کتاب به فارسی منتشر شد، این رویکرد را به ترجمه‌های قبل، از جمله ویراست حاضر، نیز مدنظر قرار دهد.

مسئله‌ای که در این جا پرداختن به آن لازم به نظر می‌رسد، بحث آشنای منبع ترجمه فلسفی است. به کرات این ادعا را شنیده‌ایم که هر متن فلسفی را فقط و فقط باید از زبان اصلی آن ترجمه کرد، در نتیجه هر ترجمه‌ای از منبعی غیر از زبان اصلی (در این جا، هر منبعی غیر از متن اصلی آلمانی) از اساس گمراه‌کننده است. در پاسخ به این ایراد، باید اذعان کرد که ابتدای ترجمه بر متن اصلی و زبان خود فیلسوف، بی‌تردید به فهم محتوای متن و ابهامات زبانی و معادل‌یابی‌ها کمک شایانی خواهد کرد. اما نباید فراموش کرد که اولاً ترجمه یک اثر در زبان‌های دیگر آن را با سنتی تفسیری و ترجمانی پیوند می‌زند که اگر مترجم فارسی خود به تعلقش به آن سنت معترف باشد و در همان قالب مضمون فلسفی اصلی را بازسازی کند، نه تنها ایرادی بر آن مترتب نیست، بلکه اتفاقاً می‌توان آن را نماینده و بهره‌مند از سنت تفسیری-ترجمانی مشخصی دانست. ثانیاً، انتشار ترجمه از زبان‌های دیگر، اگر درست و دقیق صورت گیرد، فضا را بر دیگرانی که خواستار انتشار ترجمه‌های دیگر (چه از زبان اصلی، چه از سایر ترجمه‌ها) هستند، تنگ نمی‌کند. نباید فراموش کرد که از ترجمه اول دکتر ادیب‌سلطانی تا نخستین چاپ ترجمه آقای نظری حدود سی سال می‌گذرد و در این مدت نیز علی‌رغم تمام نقدها و مباحث مشابه هیچ ترجمه‌ای نه مبتنی بر زبان آلمانی منتشر شده است و نه مبتنی بر زبان انگلیسی، لذا به نظر می‌رسد حاصل برخی از این انتقادات، بیش از آن‌که به دقیق‌تر شدن

شناخت کانت در زبان فارسی منجر شود، به عدم ترجمه آثار وی انجامیده است و منتقدان به جای نقد مترجمان انگلیسی زبان، بیشتر به دنبال توجیه کم‌کاری خویش‌اند. ثالثاً، بی‌تردید ترجمه‌گایر ایراداتی – هم در فهم محتوای اندیشه کانت و هم در بازسازی آن در زبان انگلیسی – دارد. اما این به‌هیچ‌وجه به معنای تصدیق صرف ترجمه از زبان آلمانی نیست. چنان‌که در موارد بسیاری دیده‌ایم متون فلسفی به‌رغم ترجمه شدن از زبان اصلی از دقت کافی برخوردار نبوده‌اند. در نتیجه، مبتنی نبودن ترجمه فارسی بر متن اصلی فی‌نفسه نوعی ایراد نیست، بلکه مهم این است که مترجم متن را بفهمد و در زبان مقصد بازنمایی‌اش کند. در خصوص ترجمه پیش‌رو نیز به نظر می‌رسد این شرط محقق شده است. لذا هرچند ممکن است ترجمه فارسی اخیر نیز ایراداتی داشته باشد، دست‌کم می‌توان تضمین کرد که پدیدآورندگان آن (مترجم و ویراستار) به فهمی جامع و منسجم از طرح کلی کانت دست یافته‌اند و کوشیده‌اند آن را در زبان فارسی بازسازی و بازنمایی کنند.

لازم است همچنین به برخی از تغییرات در معادل‌گزینی‌ها اشاره شود. مترجم فارسی در ازای subject از چند معادل (عمدتاً درون‌ذات) و در ازای اصطلاح object از چند معادل (برون‌ذات، موضوع، متعلق خارجی و امثال آن) استفاده کرده بود. به دلیل اجتناب از تشبث و ازگانی و همچنین نابسندگی بودن کلیه معادل‌های فوق، این اصطلاحات در فرایند ویراستاری به همان شکل مصطلح و ترجمه‌نشده اعمال شده‌اند (که خوشبختانه چند سالی است که در زبان فارسی رواج یافته‌اند)، یعنی subject، objective و subjective به ترتیب به سوژه، ابژه، سوژکتیو و ابژکتیو برگردانده شده‌اند. در همین خصوص نیز لازم است اشاره شود که گایر میان دو اصطلاح آلمانی Objekt و Gegenstand تفاوت چندانی قایل نمی‌شود، چراکه هرچند بعدها این دو اصطلاح تمایزی ماهوی پیدا می‌کنند، دست‌کم در کتاب نقد عقل محض کانت مکرراً آن‌ها را به جای یکدیگر به کار می‌برد. لذا در این خصوص نیز ترجمه حاضر از ترجمه انگلیسی گایر تبعیت کرده است.

همچنین اصطلاح thought و مشتقات آن (think, thinking و ...) بنا به معنای موردنظر کانت به تفکر، اندیشه، فکر و حتی تصور برگردانده شده است. همچنین برخلاف ترجمه نخست فارسی و نیز چاپ قبلی همین ترجمه دوم، phenomen در موارد معدودی که دلالت بر معنایی فلسفی ندارد (پدیده)، به پدیدار برگردانده شد و در سوی مقابل، appearance به نمود. همچنین علی‌رغم تمام تردیدها و ملاحظات، نهایتاً noumen از یک سو به دلیل ریشه یونانی واژه و از طرف دیگر با نظر به مراد کانت

از آن، به همان معادل مصطلح «ذات معقول» برگردانده شد که البته به هیچ وجه نباید معقول بودن آن را با عاقل یا عقلانی خلط کرد. اصطلاح represent نیز هرچند می‌توانست در بسیاری موارد به «تصور» برگردانده شود، اما به دلیل اجتناب از تشتت در مشتقات مختلف از یک ریشه واحد، در قریب به اتفاق موارد به «بازنمایی» برگردانده شده است. همچنین دو اصطلاح مهم empirical و experience که به ترتیب معادل empirisch و Ehrfahrung در زبان آلمانی هستند، در زبان فارسی عمدتاً هر دو به تجربه (و تجربی) برگردانده می‌شوند که به نوعی خلط معنایی می‌انجامد. لذا در حاضر، اغلب تلاش شده است تا این تمایز حفظ شود و در عین حال مخاطب نیز گرفتار فرایند جعل اصطلاح و واژه‌سازی کاذب نشود. در نتیجه اصطلاح نخست به «تجربی [حسی]» و اصطلاح دوم به همان معادل «تجربه» برگردانده شده است که خود این تمایزگذاری تا حدی نشان‌دهنده جایگاه این دو اصطلاح در اندیشه کانت است.

در انتهای کتاب نیز واژه‌نامه سه‌زبانۀ آلمانی-انگلیسی-فارسی و نیز انگلیسی-آلمانی-فارسی افزوده شده است که برگرفته از واژه‌نامه دوزبانۀ مندرج در انتهای ترجمۀ انگلیسی است که ستون فارسی نیز به آن اضافه شده است، تا مخاطب در صورت ابهام در فهم یک واژه بتواند به کارکرد و نقش معنایی آن واژه در زبان مبدأ و همچنان سایر زبان‌های اصلی اروپایی دسترسی داشته باشد.

در مورد دو اصطلاح مشهور a priori و a posteriori ویراستار ترجیح داد که همان معادل‌های مرسوم پیشینی و پسینی را به کار ببرد که پیش‌تر مفصلاً در مقدمه‌اش بر کتاب نقادۀ نقد عقل محض از آن‌ها دفاع کرده بود.^۱

به طور کلی در معادل‌یابی‌ها تلاش شده است تا، به جای خلق و ابداع معادل‌ها، از معادل‌های مصطلح موجود استفاده شود. از این رو، ویراستار هیچ‌گونه شیفتگی نسبت به «زبان فارسی ناب» از خود نشان نداده و برای آن قداستی قابل نشده است. نباید فراموش کرد که زبان فارسی، نه زبانی در گوشۀ پستوها یا زبانی غایب که باید با هر لطایف‌الحیلی حاضرش ساخت، بلکه دقیقاً زبان زندۀ دست‌اندرکار در حیات فارسی‌زبانان است. لذا واژگان وام‌گرفته از سایر زبان‌ها نیز اکنون چنان در زبان فارسی جایگیر شده‌اند که دیگر می‌توان آن‌ها را جزئی از ذخیرهٔ زبان فارسی دانست و حتی کوشید تا در معادل‌سازی‌های جدید از آن‌ها بهره برد. وانگهی، ویراستار در

۱. فریدریش نیچه، رابرت استرن و ... نقادۀ نقد عقل محض، گزینش و ویرایش مهدی محمدی‌اصل و محمد مهدی اردبیلی (تهران: بیدگل، ۱۳۹۱)، ص ۱۶.

معادل‌یابی‌ها و معادل‌سازی‌ها همواره این سخن‌کانت در مقدمه نقد عقل عملی را مد نظر داشته است:

ابداع واژگان تازه در جایی که زبان از تعابیر لازم برای بیان مفاهیم مورد نظر بی‌بهره نیست، تلاشی کودکانه برای ممتاز ساختن خویش از توده مردم، اگر نه با افکار نوین و راستین، بلکه با وصله‌های نو بر جامه‌ای کهنه است.^۱

در مجموع، امیدوارم تغییرات داده‌شده سبب شده باشد متنی پیراسته‌تر و دقیق‌تر در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

در پایان لازم است از بهروز نظری که متنش را بدون هیچ محدودیتی به تیغ ویراستاری سپرد؛ از آقای امیر حسین زادگان، مدیر محترم انتشارات ققنوس، که امکان ویرایش مجدد آن را فراهم آورد؛ و از سمیرا رشیدپور که در ضرب‌الاجل کوتاه تعیین‌شده از هیچ کمکی در فرایند ویرایش دریغ نکرد سپاسگزاری کنم.

محمد مهدی اردبیلی

مردادماه ۱۳۹۴

۱. ایمانوئل کانت، نقد عقل عملی، ترجمه انشاءالله رحمتی (تهران: نورالثقلین، ۱۳۸۵)، ص ۲۰.

یادداشت مترجم

کانت فیلسوفی مطلقاً لازم است. بدون او ما پایگاهی برای نقد فلسفی نداریم.
کارل یاسپرس

کسی که کانت را نخوانده، کودک است.
شوپنهاور

کتاب پیش رو ویراست دوم ترجمه فارسی نقد عقل محض است که نخستین بار در سال ۱۳۹۰ منتشر شد. به پیشنهاد دکتر محمدمهدی اردبیلی انتشارات ققنوس نسبت به انتشار ویراست تازه‌ای از این کتاب اهتمام ورزید؛ ایشان خود وظیفه ویرایش کامل و همه‌جانبه متن ترجمه فارسی را برعهده گرفتند که حاصل آن کتابی است که اکنون در دست دارید. مترجم کوشیده است در وهله اول متن کتاب نقد عقل محض را در زبان انگلیسی بفهمد و سپس ترجمه آن را در زبان فارسی از کار دریاورد. تمهید مقدمات و انجام ترجمه حدود پنج سال به طول انجامید که ایامی مملو از عیش مدام برای نگارنده بود. در حین کار ترجمه همواره این سخن کانت را در باب ترجمه و «واژه‌سازی» پیش چشم داشتم:

با توجه به گنجینه عظیم زبان‌های ما، ذهن متفکر اغلب درباره اصطلاحی که دقیقاً با مفهومش متناسب باشد، خود را درمانده می‌یابد؛ و در صورت فقدان آن، او نه می‌تواند منظور خود را به طور صحیح برای دیگران قابل فهم کند، و نه حتی برای خود. ساختن لغات تازه، ادعایی است در حوزه قانون زبان‌ها که به ندرت موفق می‌شود؛ و بنابراین قبل از اقدام مایوسانه، بهتر است که در زبانی کهنه اما فرهیخته

جستجو کنیم و ببینیم آیا این مفهوم با اصطلاح متناسب خود در آن زبان پیدا می‌شود یا نه؛ و حتی اگر کاربرد قدیم آن در اثر بی‌احتیاطی آفریندگانش تا اندازه‌ای ضعیف نیز شده باشد، همچنان بهتر است معنایی را که متناسب با آن بوده است تأکید و بیان کنیم (حتی اگر این تردید وجود داشته باشد که آیا در آن زمان، دقیقاً همین معنا را داشته است یا نه)، تا این‌که کارمان را فقط بر اثر نامفهوم ساختن خودمان تباه کنیم.^۱

با توجه به نقل قول بالا در ترجمه نقد عقل محض سعی کرده‌ام متنی قابل فهم به دست دهم. از طرفی، تلاش کرده‌ام که به صورت آگاهانه در سنت زبان فارسی زنده و معاصر قرار بگیرم و ضمن تلمذ در سنت استادان نثر فارسی سره معاصر در حد توان خود در راه این بزرگان قدم بردارم. همچنان‌که استاد دکتر جواد طباطبایی در رساله مهم تأملی در ترجمه متن‌های اندیشه سیاسی جدید: مورد شهریار ماکیاولی بیان کرده‌اند، زبان فارسی سره همان فارسی‌ای است که محمدعلی فروغی به کار برده است. ایشان با ابتنا بر مورد شهریار ماکیاولی در این کتاب ترجمه متون فلسفی را آسیب‌شناسی کرده‌اند. نگارنده از خوانندگان مشتاق این رساله بوده و هستم، و همواره سعی داشته‌ام به آموزه آن پایبند باشم. بحث محوری کتاب به این مشکل می‌پردازد که ترجمه در ایران در «تفنن و لغت‌بازی» فرو لغزیده و، در نتیجه، به جای دانش فقط به تولید «توهم دانش» پرداخته است و مهم‌ترین نتیجه نشان دادن تفنن به جای تخصص، بی‌اعتنایی به جوهر اندیشه و ایجاد توهم دانستن و فهمیدن است.

در سال ۱۳۶۲ کتاب نقد عقل محض با عنوان سنجش خرد ناب منتشر شد. نگارنده از سال ۱۳۶۷ با آن آشنا بوده‌ام و در حد توان و بضاعت در ترجمه خودم از آن بهره برده‌ام. لیکن با عطف نظر به انتقاد دکتر طباطبایی بر ترجمه دکتر ادیب‌سلطانی از نقد عقل محض،^۲ از کاربرد لغات و اصطلاحات مهجور پرهیز اکید داشته‌ام و به دنبال ارائه زبانی متعارف برای اندیشه‌های نوآورانه کانت بوده‌ام، که این رویکرد خوشبختانه با ذوق خوانندگان متون فلسفی، بسیار همخوان است. همچنین در این ویراست کوشیده‌ام دقت بیشتری در ترجمه اصطلاحات مخصوص کانت به کار ببندم. جا دارد در این‌جا از دکتر اردبیلی که وظیفه ویرایش متن را برعهده گرفتند

۱. امانوئل کانت، نقد عقل محض، ویراست اول A312 - ص ۳۶۷ همین ترجمه.

۲. بنگرید به سیدجواد طباطبایی، تأملی در ترجمه متن‌های اندیشه سیاسی جدید: مورد شهریار ماکیاولی (تهران: انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۲)، ص ۹.

سپاسگزاری کنم. همچنین مایلم از یاری برخی استادان و دوستانم قدردانی نمایم؛ از جمله سپاسگزار استاد دکتر سیدجواد طباطبایی هستم که از درس‌های ایشان در باب ایدئالیسم آلمانی و فلسفه سیاسی کانت بهره‌مند شده‌ام. با توجه به دیدگاه ایشان در این باب که ترجمه آثار کلاسیک فلسفه باید با عطف نظر به تفسیرهای معتبر صورت گیرد، ترجمه پیش رو را عمدتاً بر اساس تفسیر پل گایر از کانت به انجام رسانده‌ام. به علاوه، از کلاس‌های خوانش نقد عقل محض دکتر محمدعلی مرادی نیز بهره فراوانی برده‌ام که جا دارد از این بابت از ایشان قدردانی کنم. در نهایت، مایلم از دوست دانشمندم آقای علیرضا سیداحمدیان سپاسگزاری نمایم که ضمن تطبیق متن فارسی با اصل آلمانی و با تذکر مواردی از مسائل ترجمه، امکان تصحیح آن‌ها را فراهم آوردند.

بهروز نظری

کرمانشاه، دی ماه ۱۳۹۳

سرلوحهٔ کتاب^۱

B II

Baco de Verulamio
Instauratio Magna. Praefatio

De nobis ipsis silemus: De re autem, quae agitur, petimus: ut homines eam non Opinionem, sed Opus esse cogitent; ac pro certo habeant, non Sectae nos alicuius, aut Placiti, sed utilitatis et amplitudinis humanae fundamenta moliri. Deinde ut suis commodis aequi ... in commune consulant ... et ipsi in partem veniant. Praeterea ut bene sperent, neque Instauracionem nostram ut quiddam infinitum et ultra mortale fingant, et animo concipiant; quum revera sit infiniti erroris finis et terminus legitimus.

فرانسیس بیکن، اهل وِرولام

احیای کبیر. پیشگفتار

دربارهٔ خود ساکت می‌مانیم. اما دربارهٔ موضوع مورد بحث، تقاضا داریم که مردم این مطالب را مانند یک عقیده نگاه نکنند، بلکه مانند کاری لازم، از آن تقدیر کنند و مطمئن باشند که هدف ما تأسیس فرقه‌ای جدید یا دست و پا کردن لذتی مسرت‌بخش برای خودمان نیست، بلکه هدف پی‌ریزی منفعت و عظمت برای [نوع] بشر است. و بعد این‌که، ممکن است مردم برای نفع شخصی خود، همه به طور مساوی به فکر مصلحت عامه باشند و خود از آن دفاع کنند ... علاوه بر آن این‌که، مردم رجای واثق داشته باشند، و این احیای [یا نوسازی بزرگ] ما را همچون چیزی تصور نکنند که دعوی‌ای نامتناهی و بی‌حدومرز دارد و مافوق انسانی و فناپذیر است؛ چراکه، در حقیقت، هدف از آن تنها پایان دادن به همین خطاهای نامتناهی است، و خود هدفی مشروع است.

۱. این نقل قول فقط در ویراست B ذکر شده است. - م.ا.

A iii/B iii

[تقدیم] به جناب
وزیر دولت سلطنتی،
بارون فون تسدلیتس

۱ سرورگرامی،

A IV

رشد علوم را به سهم خود ارتقا دادن، یعنی در راه اهتمام مخصوص جناب عالی فعالیت کردن؛ چراکه، اهتمام جناب عالی کاملاً به علوم پیوسته است؛ نه فقط به موجب مقام عالی شما به عنوان حامی علوم، بلکه همچنین به دلیل نسبت بسیار شخصی تر و صمیمانه تر یک عاشق و استاد روشن اندیش. به همین دلیل با کمک تنها وسیله ای که در توان من است، سپاس خود را به دلیل اعتماد محبت آمیزی که از آن طریق جناب عالی مرا مفتخر

A V

می کنند، بیان می کنم؛ و ای کاش که بتوانم در جهت این هدف سهمی داشته باشم. برای کسی که با آرزوهای فروتنانه اش از زندگی نظرورزان رضایت دارد، تشویق یک قاضی روشن اندیش و شایسته، دلگرمی قدرتمندی است برای زحماتی که منافع آن ها بسیار، اما در دوردست است، و به همین دلیل، در نظر عوام کاملاً نادرست قضاوت می شود.

حال، این نوشته را به چنین قاضی ای و توجه محبت آمیز او تقدیم می کنم، و

A VI

همچنین با عمیق ترین احترامات، کل دیگر فعالیت های کاری و حرفه ای خود را نیز تقدیم می دارم.

مطیع ترین خدمتگزار

فروتن جناب عالی،

ایمانوئل کانت

کونینگسبرگ: ۲۹ مارس، ۱۷۸۱

